



شبکه‌ی اجتماعی

«فیسبوک»، کارخانه‌ی

معضلات اجتماعی؟

امروز وقتی از شبکه‌های اجتماعی حرف می‌زنیم، اولین چیزی که در ذهن ما خلق می‌شود فیسبوک است. در حالیکه شبکه‌های اجتماعی مختلف با موارد استفاده گوناگون ساخته شده اند، مردم بقیه کشورها از هر شبکه نظریه کارایی که دارد استفاده می‌نمایند، اما اینجا در افغانستان از هر شبکه برای عین هدف استفاده می‌شود. مثلاً تویتر «twitter» و یا لینکد ان «linked in» که اهداف متفاوتی نسبت به فیسبوک دارند، باز هم در جامعه ما از آن مثل فیسبوک در مسایل تفریحی، عاطفی، سیاسی و غیره ... استفاده میکنند. که این خود اشتباهی بزرگی ست.

ازین‌ها گذشته شبکه‌های اجتماعی بخصوص فیسبوک نظر به استفاده اغلب که دارد مزایا، معایب و آسیب‌های فراوان دارد، که در این زمینه در کشور های مختلف تحقیقات زیادی صورت گرفته است. که بعضی‌های شان با جامعه ما همخوانی دارد و بعضی‌های شان جنبه کاربردی ندارد، و نظر به تمایزات که جامعه ما نسبت به بقیه کشورها دارد میشود گفت که بعضی خصوصیات آنها مخصوص خودماست و هیچ تحقیقی علمی در این رابطه صورت نگرفته است. بنا بر این خواستیم تا به صورت فشرده چشم انداز راجع به فواید، ... ادامه در برگ (۲)

یک دختر نوزاد

از سر کدره قاضی

یافت شد



یک نوزاد که داخل یک کارتن جابجا شده بود از سر کدره عمومی دره قاضی در مرکز غور پیدا شد. به گزارش ماهنامه هیس، این کودک که دو روز از تولدش می‌گذرد در غرب شهر فیروزکوه مرکز ولایت غور روز یکشنبه (۴ اسد) یافت شد.

این نوزاد دختر است، اما مشخص نیست که وی به چه دلیل و به چه جرمی در یک صندوق کارتنی جابجا شده و در جاده عمومی «دره قاضی» شهر فیروزکوه رها شده است.

سوالاتی در این ارتباط در ذهن هر خواننده، بیننده و شنونده بوجود می‌آید. اما پاسخ آن را هنوز کسی نمی‌داند. آیا این نوزاد به جرم دختر بودن، یا به جرم روابط نامشروع والدین و یا هم بخاطر فقر و تنگ‌دستی به‌روی شاهراه عمومی رها شده است؟ این دختر نوزاد توسط نیروهای پولیس ملی پس از تجمع مردم محلی به شفاخانه ولایتی غور انتقال داده شد.

مستولین اداره محلی غور، و نهادهای حقوقی در این ارتباط جزئیات نمی‌دهند، اما می‌گویند که تحقیقات جنایی و طبی در این زمینه جریان دارد.

سیما جوینده، از نظر مخالفان و موافقان

حبیب‌الله سرود

خانم سیما جوینده فرزند گل‌آقا در سال ۱۳۵۱ خورشیدی در مرکز ولایت غور به دنیا آمده است، وی دانش‌آموخته‌ی دانشگاه کاتب است و به حیث معلم در غور، کارمند در ریاست انکشاف دهاات غور، کارمند در چندین موسسه خیریه و در ولایت غور کار کرده است. وی در لویه‌جرگه‌ی تاریخی قانون اساسی و لویه‌جرگه‌ی اضطراری شرکت نموده و هم‌چنان وکیل مردم غور در مجلس‌نماینده‌گان بوده است.

از روزی‌که خیر انتصاب بانو سیما جوینده وکیل منتخب مردم غور در مجلس‌نماینده‌گان به صفت والی غور در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک دست‌به‌دست شده می‌رفت، مخالفان و موافقان زیادی بر این خبر برچسپ‌هایی زده اند؛ اما همان‌گونه‌که همه باخبریم، تمام ولایت‌های افغانستان نظر به میزان رأی‌های‌که در انتخابات جنجالی ۲۴ جوزای سال ۱۳۹۳ خورشیدی، به صندوق‌های رأی سران حکومت وحدت ملی ریخته شده، به تناسب آن بین رییس‌جمهور و رییس اجرائیه تقسیم گردیده است، ولایت غور نسبت این‌که در دور اول و دوم انتخابات، تیم اصلاحات و همگرایی بیش‌ترین رأی را در این ولایت از آن خود نموده بود پس سرنوشت صاحبان این رأی‌ها را هم باید ایشان تعیین کنند.

از آن‌جایی‌که بانو جوینده از سوی تیم اصلاحات و همگرایی، به تاریخ ۱۰ سرطان ۱۳۹۴ خورشیدی با این برنامه‌ها که در اولویت کاری شان قرار دارد؛ «۱- تامین امنیت، ۲- مبارزه با



فساد اداری، ۳- مبارزه با زرع و قاچاق مواد مخدر، ۴- رفع اختلافات قومی، ۵- بازسازی و نوسازی، ۶- همدلی و همدیگرپذیری» وارد غور شد، اضافه از تحول و تداومی‌ها، کسانی از اصلاحات و همگرایی هم مخالف ولایت ایشان بودند، مخالفان ایشان «ظهور مجدد هیولا در غور»، «زن» بودن، «نداشتن تخصص، تجربه و مدیریت خوب»، «نداشتن راه‌حل برای حل منازعات قومی» و «بی‌دست‌آورد بودن دوران وکالت ایشان» و مهم‌تر از همه «نداشتن استقلالیت تصمیم‌گیری» را استدلال می‌کنند. حتا کسانی هم هستند که می‌گویند: «تنگ می‌دانم که به راه روان با یک خانم صحبت نمایم چه رسد که

آیا حضرت محمد (ص) درباره داعش هشدار داده است؟

نظر به آیات قرآن کشتن یک انسان بی گناه مانند کشتن تمام بشریت است. و حتی نظر به تحقیقات داکتر ذاکر نایک کشتن یک مرتد که به علیه دین تبلیغ نکند در اسلام جواز ندارد. در حملات این گروه و گروه‌های مانند آن هزاران بیگناه کشته میشود، در مساجد در شهرها، در عبادت گاه‌ها و در قریه‌ها کورکورانه مردم بیگناه را به قتل می‌رسانند و آیا اینها نمیدانند که حتی کشتن کفار که بالای اسلام حمله نکرده باشد در اسلام جواز ندارد پس به کدام حق مسیحیان مقیم آن مناطق سر بریده میشود. حضرت محمد (ص) میفرماید: وقت میرسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز کلمات آن چیز باقی نماند. مساجد بسیار آراسته خواهند بود ولی اسلام و اقی در آن تدریس نخواهد شد. درین روزهای آخر اصول معنوی اسلام مفقود خواهد شد. و از دین جز رسم‌های اجباری چیزی باقی نخواهد ماند. علما و روحانیون در این زمان فاسد بوده و منابع نزاع خواهند بود.

چقدر زیبا این زمان را آنحضرت (ص) تشریح کرده و حال ما میبینیم که چطور به رهنمایی بیشتر علما و روحانیون فاسد؛ مسلمانان یک دیگر را به نام‌های مذهب جهاد و غیره میکشند و به جای یکپارچگی مسلمین به نزاع علیه یک دیگر دعوت میشوند. آنحضرت (ص) همچنان می‌افزاید درین زمان مناقشه‌ها یک گروه از جوانان نابرومند و بی‌شعور پیدا میشود که بسیار زیبا صحبت میکنند ولی اعمال بسیار بد را انجام میدهند. آنها آنقدر روزه میگیرند و نماز بر پا میکنند که عبادت دیگر مسلمانان در مقابلشان ناچیز معلوم میشود.

مسجد حضرت خُیب در شهر فیروز کوه، افتتاح و به‌بهر برداری سپرده‌شد

شود و بدترین زمین، زمینی‌ست که بالایش شهرآباد شود»

آقای مجیدی افزود، کسانی‌که برای اعمار خانه خدا سهم می‌گیرند و کار می‌کنند خداوند (ج) برای‌شان در آخرت خانه درست می‌کند. وی خاطر نشان نمود، که اولین پرسش از نماز بوده و بزرگترین جایگاه نماز و سجده نزد الله تعالی مساجد بوده که اهدای نماز در مسجد نسبت به خانه ۲۵ الی ۳۷ مرتبه افضل‌تر است. ملا نظام الدین ابراهیمی، مسوول ساخت مسجد حضرت خبیب، نیز از کمک و همکاری مردم محل و افراد خیر قدردانی نموده گفت: «این مسجد از بودجه مردم به هزینه ۷۰۰ هزار افغانی اعمار گردیده که کار آن مدت یک ماه را در بر گرفته است. امروز خوشحال هستم که مردم ما صاحب مسجد شدند. بعضی کارهای این مسجد باقی مانده که از مسولین در این راستا خواهان کمک و همکاری می‌باشیم.» وی همچنان از شهردار فیروزکوه بخاطر اهدای جای مسجد و



از ۲۵۰ نمازگزار را دارد.



این مسجد به‌طور پخته و اساسی به هزینه ۷۰۰ هزار افغانی از بودجه مردم محل و افراد خیر، ساخته شده است. مسجد حضرت خُیب در کوچی‌ی خدیجه الکبرا، مربوط شهر فیروزکوه و قدردانی از مردم محل جهت اعمار این مسجد گفت: «بهترین سرزمین و مقدس‌ترین زمین، زمینی‌ست که بالایش مسجد ساخته که به تعداد ۳۷۵۰ باب مسجد در غور وجود دارد.

گزارشگر: یارمحمد یاور

سخن هیس!

غور

رانباید نامردها ولایت کنند

بیرونی‌ها زیاد بردند و خوردند و زدند؛ از آبادی، انکشاف و ترقی شهر و دهات اصلن خبری نیست. بالعکس ادارات دولتی این ولایت را به نفع یک گروه ویژه سقوط دادند و همه پُست‌ها را بدون کودتای نظامی تصاحب کردند و به نزدیکان شان منقسم ساختند و به بودجه‌های بزرگ دولتی دست‌برد زدند و آن را از مرکز ولایت در بعضی ولسوالی‌ها جهت پرکردن جیب‌های شان متمرکز نمودند و بعد از مدت‌ها توانستند که جیب‌های دهن پاره و چشم‌گرسنه‌ی خویش را از هر طریق ممکن پر کنند. به گونه‌ی مثال می‌توان مشت نمونه خروار، از تخریب ساحه‌های سبز و توزیع حریم دریا توسط شهرداری فیروزکوه، مکاتب خیالی معارف که گزارش آن چندی پیش از رسانه‌های جمعی منتشر شد، قوم‌گرایی و حزب‌ستیزی در بعضی ادارات دولتی و از نارسایی‌های مسوولین در امر اعمار مسجد جامع خاتم‌التین یاد آور شد؛ چندین سال است که این مسجد جامع بزرگ و قدیمی شهر فیروزکوه ویران شده و کار ساخت و ساز آن به فراموشی سپرده شده است. جای تأسف این‌جاست که این مکان مقدس شبیه پل سوخته کابل به مکان معتادان مبدل شده است. از سوی هم قرار بود که ورزشگاه شهر فیروزکوه ساخته شود که متأسفانه بودجه آن به جای دیگری نقل مکان شد و کس پرسان هم نکرده که کجا شد؟

طی چندین سالی که غور را بیرونی‌ها اداره کردند به جای آبادی، انکشاف، بازسازی و نوسازی این شهر، اختلافات ذات‌البینی بیشتر از پیش شعله‌ور شده که نتیجه اش قتل‌های زنجیره‌ای، بی‌سواد ماندن نسل جوان، ازدیاد گروه‌های هراس‌افکن، فقر اقتصادی و بیکاری از دست‌آورد‌های عملی کسانی بوده که در غور ولایت نموده‌اند.

سال گذشته که قرار بود سرک مرکزی (کابل - غور - هرات) از کمک‌های کشور جاپان ساخته شود؛ متأسفانه بخاطر اختلافات بزرگان ما و حاتم‌بخشی‌های شان بودجه آن از دست مردم مظلوم غور رفت. اگر اختلافات شدیدی که بخاطر ساخت سرک غور - هرات وجود دارد را سر جایش بگذاریم، سرک کابل - غور که هیچ نوع اختلافی برای ساخت آن وجود ندارد بیایید دست به دست هم داده و راه‌حلی برای مشکل ادامه ساخت آن جست‌وجو کنیم تا شاهد اشتغال بیشتر مردم غور بوده و سفرهای راحت‌تری نسبت به گذشته داشته باشیم. اگر اختلافات قومی مهار نشود، ما شاهد از دست دادن صدها بودجه و پول دیگر خواهیم بود.

خوب است که بعد از این، غور را نامردها ولایت نکنند؛ بل کسانی ولایت کنند و قدرت را به دست داشته باشند که اهل کار باشند، نه اهل کشتار. از تبار انسانیت باشند؛ یا به قول قسیم اخگر «مذکر باشد یا مونث فرق نمی کند، منخن نباشد.» از زمانیکه غور بنام ولایت پایه‌گذاری شده تا کنون مردها ولایت کردند و در رأس آن قرار داشته‌اند که روز به روز اختلافات قومی، قتل‌های زنجیره‌ای، تعصب و تفرقه‌افگنی... در این دیار وجود دارد و پدیده‌های منفی بیشتر در حال شکل گرفتن است که همه را زمین گیر کرده است. نتیجه این همه شوربختی‌ها، عقب‌مانی جامعه‌ی غور در بخش‌های چون فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی، زیست محیطی و زندگی مُلدن بوده است که ما را خیلی به گذشته‌های دور برده است.

بانو سیما جوینده، اولین والی زن در غور، دومین والی زن بعد از معصومه مرادی والی دایکندی در حکومت وحدت ملی و سومین والی زن بعد از حبیبیه سربابی و معصومه مرادی در تاریخ افغانستان است.

چندی پیش وی با فرمان محمد اشرف غنی رییس جمهوری افغانستان به صفت والی غور مقرر و به کارش آغاز کرد. گزینش خانم جوینده به حیث والی غور، مخالفان و موافقان زیادی داشت که عده‌یی آنرا مایه بدبختی و عده‌یی هم مایه خوش‌بختی غور می‌دانستند. حتا مخالفانش قرار بود روز ورودش به مرکز غور، دست به تظاهرات بزنند که با واکنش هوادارانش مواجه شد. بانو جوینده به زغم خودش تنها والی غور نه؛ بل مادر غوری‌هاست.

یک مادر وقتی می‌تواند که رهبری یک گروه را به دوش بگیرد که دانش، مدیریت خوب، خلایقیت و وجدان پاک داشته باشد و برای نسلی که آن‌ها را فرزندان خود خوانده نوید صلح و امنیت، ترقی و پیشرفت باشد. خدای ناخواسته اگر ویژه‌گی‌های ذکر شده را یک رهبر نداشته باشد باید نماز جنازه رهروان را خواند.

شبکه‌ی اجتماعی «فیسبوک»، کارخانه‌ی معضلات اجتماعی؟

وزیر آرمین محمدی

نواقص و اشتباهاتی که در آنها صورت میگیرد، داشته باشیم. البته این نکته را نباید از یاد برد، اینکه ذات و نفس اکثر چیزها بد نیست، این مایم که از آن به گونه خوب و یا ناپسند استفاده میکنیم. و همین اصل مصداق استفاده از شبکه های اجتماعی نیز میشود.

فیسبوک و یا شبکه های اجتماعی دیگر از مناظر علمی مختلف مزایا، معایب و آسیب های فراوان دارد که در اینجا به نکات مهم آنها میپردازم و از ژرف نگری در آنها خود داری میکنم.

مزایا

۱. ارائه خدمات بی سابقه مانند چت، پیام های فوری، اشتراک گذاری فایل، ویدیو، تصاویر، نظریات و غیره...
۲. ایجاد ارتباط با دوستان قدیمی و جدید و ساخت اجتماعات مبنی بر تشابهات و سلاقی شخصی.
۳. ترویج فرهنگ های متعالی، در صورت استفاده درست.
۴. انجام دادن تبلیغات موثر به نسبت وفور کاربران.

معایب

۱. این شبکه ها اعتیاد آورند و این امر موجب نارضایتی در اکثر محیط ها از جمله مکاتب، دانشگاه ها، ادارات دولتی و خصوصی میشوند. چون اشخاص وقت زیادی را صرف این شبکه می نمایند و از انجام مسؤلیت خویش به شیوه درست باز میمانند.
۲. این شبکه ها ممکن است موجب حسادت در کاربران شوند، و این حسادت سبب غم و افسردگی در کاربران میگردد. که این افسردگی ها در بسا موارد موجب بروز اختلالات روانی در جوانان و نوجوانان میگردد.
۳. یکی دیگر از معایب بزرگ این شبکه ها کاهش ارتباط مستقیم چهره به چهره و مجازی شدن روابط انسانها میباشد. که بر این اساس اکثر کاربران با افراد نزدیک خود ازین طریق احوالپرسی می نمایند، و از مزایایی ارتباط و صمیمیت مستقیم محروم میشوند.
۴. اینها سبب گوشه نشینی در زندگی کاربران میشود و کاربرد از فیوضات اجتماعی محروم میشود. هر چند اگر در جمع باشد مصروف فضایی مجازی خودش است. در حقیقت میتوان گفت شبکه های اجتماعی افراد نزدیک را از هم دور و افراد دور را با هم نزدیک میسازد.



اشتباهات سرنوشت ساز و آسیب های ناشی از آن

۱ افراط در استفاده: به دلیل آگاهی اندک کاربران، استفاده از این شبکه ها از حد کافی خود میگذرد و کاربران در عوض اینکه در یک خالیگاه کاری از آن استفاده کنند، از آن بطور مداوم و شبانه روزی استفاده میکنند. که این امر سبب بروز مشکلات جدی در جامعه میشود، و آن صمیمیت های جمعی را از بین میبرد. حتی در همین زودی ها مقامات چینی از افزایش طلاق به سبب استفاده بیش از حد از این شبکه ها توسط همسران شان شدند. و آمار طلاق به علت همین استفاده افراطی در چین به حد اعظمی خود رسیده است.

۲ آزادی جنبش های اجتماعی برای جذب افراد جامعه و بیان اعتراضات شان در روند های سیاسی: این شبکه ها با تبدیل شدن به یک فضای سیاسی میتوانند به جنبش های اجتماعی علاوه بر هماهنگی در اعتراضات و راهپیمایی ها، روش های جدید و نمادین را در توانمند ساختن آنها فراهم نمایند. و افراد بیشتر جامعه را جذب این حرکات نمایند. بنا بر این از این جهت آسیب های زیادی دامنگیر جامعه میشود. بطور نمونه پنهان کردن و پوشاندن اطلاعات دقیق و پدید آوردن یک جهل عمومی که ازین طریق فرد یا گروهی بخواهند به ترور شخصیت ها و بدنام سازی احزاب و گروهایی دیگر گردند. وقضایا را بطور جهلی به نفع خود بچرخانند.

۳ اعتماد: کاربران هرگونه اطلاعات را از تصاویر گرفته تا معلومات حساس و با ارزش دیگر را از خود، شرکت ها و خانواده های خود نشر میکنند و یا در چت تبادل می نمایند. با این اشتباه بزرگ آینده خود را به طور قطعی به خطر مواجه میکنند. چون زمانیکه شما در فیسبوک حساب

کاربری میسازید طبق قانون فیسبوک، او حق هرگونه استفاده از اطلاعات شما را دارد، و این امر نگرانی جدی ایجاد میکند. مثلاً ۲۰ سال بعد شما در موقعیت اجتماعی حساس و بزرگی قرار میگیرید. که فیسبوک میتواند هرکاری با اطلاعات و اشتباهات جوانی تان انجام دهد. آنرا بفروشد و یا با استفاده منفی از آن ضربه خطیری در موقعیت اجتماعی شما وارد کند.

۴. حرف زدن های تهاجمی و مطالب آزاردهنده: این شبکه ها شرایطی را برای برخورد های تهاجمی، مطالب آزاردهنده و خشونت آمیز ایجاد کرده است. که گاه باعث میشود رفتار های خشونت آمیزتر از فضایی فیزیکی در آنها مشاهده شود. شما سریعاً و قبل از فرونشاندن خشم تان فرصت دارید تا در مورد هر موضوعی از هرکس نظر پرخاشگرانه ای بدهید، تا از مخالفت که نوعی اعلام حضور است؛ لذت ببرید. مافراموش میکنیم که در -همسایگی خانه شیشه ای ما- زندگی میکنند، گاه بر اساس یک نظر، یک لایک کردن و یا نکردن قضاوت میشوند و سرنوشت آنها تغیر میکند.

۵. جعل هویتی یا مستعار سازی: افراد مختلف ازین طریق هویت جعلی درست میکنند، واز آن برای ایجاد اتهامات بی مورد و یا بیان حقایقی که نمیتوانند از آدرس خود نشر نمایند، استفاد میکنند. که اگر این امر برای بیان حقایق و مبارزه با استبداد باشد نمیتوان آنرا عمل بد تعریف کرد. اما اگر از آن فقط برای اتهام، توهین و توطئه استفاده شود که خود عمل فجیع، ناپسند و ناجوانمردانه ای میباشد و سبب لرزش جامعه میشود. بخصوص در جامعه پرتشنج که ما در آن زندگی میکنیم.

پس در یک جمع بندی کوتاه به نسبت گستردگی موضوع میتوان به همان ضرب المثل قدیمی پشتو رجوع کرد که «زبان برای انسان هم بلای جان است و هم میتواند قلعه ای برای محافظتش باشد». این ضرب المثل مصداق حال شبکه های اجتماعی نیز میشود که اگر به گونه آگاه و درست از آن استفاده نماییم، هم از سهولت های آن به گونه های متفاوت میتوان فیض برد، و هم میتوان به یک شخص تاثیر گذار در جامعه تبدیل شد و ازین طریق آینده کاری واجتماعی خودرا تضمین نمود.

و یا اینکه از آن به گونه نادرست استفاده کرد. تا «خود آگاه و یا نا خود آگاه» ضربه محکم بر پیکر خود، جامعه و یا افراد جامعه وارد نماییم.

کشته‌وز خمی‌شدن سه‌تن در الله یار فیروز کوه



منبع: فیس بوک/ عکس: زیرک

هم‌چنان، چندی پیش دختری دیگری به نام «کشور» در قریه مدرسه شهر فیروزکوه که به خواست خودش شوهرش را انتخاب و با پسری فرار کرده بود از سوی بچه‌کاکایش به قتل رسید و قاتل از سوی مردم دستگیر و به پولیس تسلیم داده شده است. گفتنی است که این دختر پس از فرار از منزل مدتی را در بازداشتگاه و خانه‌ی امن به سر می‌برد و با تضمین متنفذین و اشخاص سرشناسی به خانه‌اش برگشته‌اند شده بود. این در حالی است که در این اواخر، بی‌نظمی‌ها و بی‌بندوباری‌ها در تمام ولایت غور اوج گرفته است.

پس از چاشت روز سه شنبه ۶ اسد اختلاف نظرها میان دو شخص بر سر یک دختر یک تن کشته و دو تن دیگر زخم برداشتنند. به گفته آقای محسنی فرمانده پولیس غور یک تن به نام دکتر مجاهد که باشنده اصلی الله یار بوده و دوافروشی داشته‌است توسط شخصی به نام برهان‌الدین به قتل رسیده و دو فرزند وی زخم برداشته‌اند. این حادثه بر سر دختری که برادرزاده‌ی دکتر مجاهد بوده صورت گرفته است زیرا دکتر مجاهد نمی‌خواست که برادرزاده اش با برهان‌الدین ازدواج نماید.

ویژگی‌های حکومت

الیگارش‌ی در جامعه‌ی

امروزی‌ما

در جامعه الیگارش‌ی دزدان و اوباش‌ها نیز زیاد می‌شوند و با راه‌گیری‌ها و غارت اموال، مردم را متضرر ساخته و نظم اجتماعی را بر هم می‌زنند. این که آیا این ویژگی‌ها در جامعه و حکومت افغانستان هم وجود دارد یاخیر، باید گفت: که ما اگرچی در سایه یک حکومت دموکراسی هستیم و در عمل دیده می‌شود که همان خصوصیات و ویژگی‌های که در حکومت و جامعه‌ی الیگارش‌ی وجود دارد، در جامعه و مردم ما نیز وجود دارد.

ثروت اندوزی و پول پرستی به اوج رسیده، رشوه، فساد مالی و اداری که در کشور وجود دارد، افغانستان را در پایین‌ترین سطح قرار داده و از جمله کشورهای آلوده به فساد مالی و اداری به حساب می‌آید. قطبی شدن جامعه به وضوح دیده می‌شود و فقر و بیکاری بیداد می‌کند و نسل جوان و تحصیل کرده به حاشیه مانده که مجبور به ترک کشور می‌شود و یا به اعتیاد رو می‌آورد و یا در باندهای مافیایی و خلاف کارها می‌پیوندد.

پس، این وضعیت کنونی برای جامعه و مردم ما، مطلوب نبوده و نیست. و اگر وضعیت همچنان ادامه پیدا کند، به یقین که به یک بحران غیر قابل کنترل کشانده می‌شویم و در آن وقت است که نظم و نظام از هم خواهد پاشید. تا آن اوصاف و ویژگی‌های که برای نظام الیگارش‌ی بر شمرده شد، که در عمل در حکومت و جامعه ما نیز وجود دارد، ما در یک نظام و حکومت مبتنی بر دموکراسی نخواهیم رسید.

محمد کاظم کاظمی

منبع: وبلاگ محمد کاظم کاظمی

امکانات جهان مجازی، به ویژه وبلاگها و فیس‌بوک و دیگر شبکه‌های ارتباطی، بستری تازه برای فعالیت‌های ادبی فارسی‌زبانان ایجاد کرده است. به واقع اهل ادب و اهل قلم جزء اولین گروه‌هایی بودند که از این امکانات استفاده کردند و اکنون قریب به ده سال از فعالیت اولین وبلاگهای ادبی به زبان فارسی می‌گذرد.

این محیط امکانات و قابلیت‌های ویژه‌ای در اختیار اهل قلم می‌گذارد که پیش از این کمتر در اختیار آنها بود و مهم‌ترین آنها امکان انتشار سریع و کم‌هزینه‌ی آثارشان است.

حقیقت این است که رسانه‌های مکتوب، به ویژه در افغانستان در سالهای دهه‌ی شصت و هفتاد بیشتر در اختیار احزاب و نهادهای سیاسی یا دولتی بوده است و به همین دلیل اهل ادب و هنر که غالباً از امکانات لازم برای چاپ و نشر بی‌بهره بوده‌اند، ناچار بودند که به این نهادها متکی باشند و چنین بود که امکان انتشار مستقل و بی‌واسطه‌ی آثارشان کمتر فراهم بود. وبلاگها و دیگر پنجره‌های دنیای مجازی این امکان را فراهم آوردند و چنین بود که سبلی از آثاری که در عمل در پشت دروازه‌ی چاپ و نشر باقی مانده بود، روانه‌ی دنیای مجازی شد.

می‌توان گفت که استفاده از انترنت برای اهل قلم افغانستان یک بخت ویژه به حساب می‌آمد، با توجه به پراکندگی مردم افغانستان در سراسر گیتی که ارتباط آنها از طریق رسانه‌های مکتوب را دشوار و حتی گاه ناممکن می‌ساخت. اکنون کسانی که سالها پیش یک شماره مجله چاپ ایران یا افغانستان را در اروپا، امریکا و استرالیا بعد از ماهها وقت و صرف هزینه‌ای بسیار از طریق پست دریافت می‌کردند، در زمانی اندک می‌توانند به تولیدات ادبی افغانها در سراسر دنیا دسترسی داشته باشند.

به تبع انتشار آثار ادبی در انترنت، نقد این آثار نیز به همان سهولت میسر شده است و این امکان به وجود آمده است که آفریننده‌ی اثر و منتقد، بتوانند سریع، بی‌واسطه و رودررو با هم در ارتباط باشند. امکان پیام گذاشتن در ذیل آثار، در صفحات انترنت و به‌ویژه وبلاگها زمینه‌ی نقدهای کوتاه و اشاره‌وار را فراهم کرده است، گذشته از این که بسیار نقدها نیز به صورت مقالاتی در پایگاه‌های انترنتی قابل انتشارند.

مزیت مهم این روش نقد این است که نقد هر اثر ادبی یا هنری به سرعت تمام قابل دسترس است، چون پیش از این چه بسیار نقدها که بر آثار شاعران یا نویسندگانی در مطبوعات نوشته می‌شد، ولی هرگز به رویت آن شاعر یا نویسنده نمی‌رسید تا او بتواند از آن استفاده کند.

دنیای مجازی و نقد ادبی



ولی با این همه این پرسش قابل طرح است که به راستی آیا جامعه‌ی ادبی افغانستان توانسته است از این موقعیت مساعد برای نقد ادبی و هنری استفاده‌ی شایسته‌ای بکند؟ به گمان من نباید بسیار خوشبین بود.

باید دانست که یک نقد خوب، حداقل به سه عامل بستگی دارد: فرهنگ درست نقّادی و نقد‌پذیری، دانش و آگاهی نسبت به موضوع و امکان ارائه‌ی نقد.

انترنت امکان ارائه‌ی را گسترش داده و تقویت کرده است، ولی تا وقتی که منتقدان ما از انصاف و آگاهی لازم برخوردار نباشند و خالقان اثر از شکیبایی و نقد‌پذیری، از این امکان نمی‌توان استفاده‌ی خوب کرد.

نقد ادبی و هنری در کشور ما کمتر منصفانه و توأم با دانش و آگاهی بوده است. منتقدان ما بیش از تمرکز بر روی اثر، بر روی آفریننده‌ی آن تمرکز می‌کنند و در این میان لاجرم ملاحظات سیاسی، قومی، مذهبی و منطه‌ای دخالت تمام دارد. از جانبی دیگر ما غالباً مطلق‌نگر هستیم، یعنی آثار را یا صرفاً ستودنی و یا صرفاً نکوهیدنی تصور می‌کنیم. قدرت تفکیک جنبه‌های مثبت و منفی یک اثر و بازگویی آنها در یک نقد، در ما اندک است. به تعبیر دیگر، یا سیاه می‌نگریم و یا سفید و چنین است که نقدها یا خرده‌گیری صرف‌اند و یا ستایش محض. بسیار وقتها هم این نقدها کلی است و بدون ارائه‌ی مصداقهای لازم در اثر.

آنچه در دنیای مجازی به نابسامانی افزوده است، آزادی عمل نویسندگان است. بر خلاف رسانه‌های مکتوب که غالباً تشکیلات خود رسانه‌ها و نهادهای نظارتی دولتی می‌توانند برخوردار باشد.

سال اول ■ شماره پنجم ■ سرطان ۱۳۹۴ آفتابی

آزادی عمل نویسنده را محدود کنند، در اینجا هر کسی برای نوشتن هر چیزی که بخواهد آزاد است. مسلماً در این میان دانش ادبی و قدرت نقد نیز شرط نیست و چنین است که هر نقدی، با هر کیفیتی و بدون هیچ نظارتی در این عرصه قابل ارائه است. قضیه‌ی دیگری که به این مشکل می‌افزاید، امکان پنهان ماندن اشخاص در پشت نام‌های مستعاری است که می‌تواند هویت اصلی آنها را کاملاً پوشیده نگه دارد و این خود برای آنانی که قصد نگارش نقدهای نامنصفانه را دارند، یک فضای امن ایجاد می‌کند.

مشکل دیگری که به نظر من قابل توجه است و مانع شکل‌گیری نقدهای علمی و سنجیده می‌شود، وفور آثار ارائه شده در دنیای مجازی است، به گونه‌ای که صرف بازدید از این آثار کافی است که همه زمانی را که نویسنده برای نوشتن نقد در اختیار دارد، تلف کند. در آن روزگاری که آثار ادبی صرفاً از طریق کتاب و مجله ارائه می‌شد، حجم آثار منتشر شده در حدی بود که فرصت خواندن و نقد آنها برای آدمی میسر شود، ولی اکنون این فرصت بیشتر صرف خواندن می‌شود، آن هم خواندن آثاری غالباً نازل و کم‌کیفیت.

مسلماً وقتی نظارتی از نظر کیفیت در کار نباشد، یافتن آثار ارزشمند و فاخر که لیاقت یک نقد جدی را داشته باشد نیز در این میان دشوارتر است و چنین است که منتقد ناچار می‌شود در بسیاری از وبلاگها صرفاً به یک عبارت کوتاه تعارف‌آمیز بسنده کند.

شاید هم از این روی است که بسیاری از نقدها به ویژه اگر به صورت پیام‌هایی در ذیل مطالب وبلاگها ارائه شوند، کلی، اجمالی و تعارف‌آمیز هستند. به هر حال در مجموع به نظر می‌رسد که ما اهل قلم و ادب افغانستان، به موازات امکانات سهل‌الوصولی که برای ارائه‌ی آثار ادبی و هنری یافته‌ایم، هنوز از نظر قدرت نقدنویسی و توانایی نقد منصفانه و آگاهانه‌ی آثار، ورزیده نشده‌ایم و به کسی شباهت داریم که در یک بزرگراه رانندگی می‌کند، ولی با یک وسیله‌ی نقلیه‌ی قدیمی و ناکارآمد. اما چشم‌انداز آینده چه خواهد بود؟ به گمان من با توجه به عطشی که اکنون در کشور برای آگاهی و آموزش دیده می‌شود و نسل جوانی که تازه از زیر خاکستر سالها جنگ و نابسامانی سر بدر کرده‌اند، ما می‌توانیم امیدوار باشیم که نسل آینده به میزان بهره‌مندی از امکانات نوین ارتباطی، از دانش، آگاهی، سر بدر کرده‌اند، ما می‌توانیم امیدوار باشیم که نسل آینده به میزان بهره‌مندی از امکانات نوین ارتباطی، از دانش، آگاهی، انصاف و نیز شکیبایی لازم در نقدنویسی و نقد‌پذیری هم تشکیلات خود رسانه‌ها و نهادهای نظارتی دولتی می‌توانند برخوردار باشد.

مهاتما گاندی، رهبر ضد استعمار هند



هنگام بازگشت مجدد به آفریقا مورد شتم و لعن اروپاییان قرار گیرد. وی تصمیم گرفت در سراسر کشور هند به وسیله قطار درجه سه مسافرت کند، تا هم با روحیه مردم و وضع زندگی ایشان در نواحی مختلف آشنا شود و هم طی مسافرت‌های طولانی، از نزدیک ببیند که طبقه سوم چگونه زندگی می‌کنند، به چه چیز احتیاج دارند و چه عواملی برای پیشرفت ایشان لازم است.

وی برای تربیت نفس خویش، تلاش فراوان داشت. نخستین تصمیم او، به اصطلاح هندی «تجردی در عین تأهل» است. تصمیم دوم وی «عدم تملک» است؛ این تصمیم با اهدای همه دارایی خود، حتی جواهر زرش، به کنگره هندوان مقیم آفریقای جنوبی آغاز گردید. گاندی به هم میهنان خود می گفت: «در راه راستی مبارزه کنید، ولی هرگز به اعمال زور و تشدد نپردازید تا موفق شوید.»

تنهایی / نبی ساقی

امشب دوباره ساقی‌ات، سردردِ سردردِ است

بگذار تا شب گُل کند، حالا سرِ درد است

سیگار و تنهایی و دود و پیک پشت پیک

تنهایی؛ اما بهتر از یاران نامرد است

تنهایی اینجا نیست چندان غیرمعمولی

هرکس که «دردش بیش» شد از جمع ما، طرد است

خود را به نادانی بزَن بانو! که هوشیاری

مستوجب نفرین خلق و تحتِ پیگرد است

حالا چه دردِ سرِ دهم، قربان چشمانت!

باینکه طعمِ مثنوی دارد؛ ولی فرد است

حوّا! برای یک نفر، امروز آدم شو

گرچه خدا او را ز درگاهش بدر کرد است

گم می‌شود فردا و هر چه ماند پُشتِ در،

تنها نشان پای یک مجنون ولگرد است!

خویش بابا / سیداحمد ساهر

نماز شام آیم پیش بابات

بگیرم دست و بوسم ریش بابات

کنم زاری که قلبش نرم گردد

و بابایم بسازم خویش بابات

تنفس‌های هندوکش / علی‌اکبر زاوولی

من و تو، آسمانی بغض و این تکرار پوسیدن

هنوز ای همسفر زود است بر مهتاب کوچیدن

کجا تقدیر ما و سهمی از عاشق‌ترین فریاد

کجا در خواب حتا رد پایی تا خدا دیدن

من و تو – این سزای ماست – کوهی پیشرو داریم

و دستی که نمیداند طریق زندگی چیدن

نمیدانی چنین آوارگی مان بر چه می‌ماند؟

ز کودک راه رفتن در مسیر جاده پرسیدن

ولی هشدار ای پروانه چون خیلی خطرناک است

به دور شعله‌ی یک شمع وحشی رقص و چرخیدن

تصور کن چقدر آبی‌تر و زیبا و شیرین است

لباسی از تنفس‌های هندوکش پوشیدن

۱۳۹۱ خورشیدی کابل

رنج تلخ / نظام الدین ضیایی

این جا که رنج مردن فرهنگ می‌کشم

وین رنج تلخ را همه از جنگ می‌کشم

این جا حصار عُجب بلند و نظر کوتاه

زین عُجب هر زمان، نفس تنگ می‌کشم

این جا به شاخ نخل امل نیست، میوه‌ای

پیوسته داغ زحمت یک سنگ می‌کشم

این جا که جمعی بسته‌ای دام تعلق‌اند

زین کار از برای خدا! ننگ می‌کشم

این جا ز بخت و بال هما نیست، سایه‌ای

محنت ز بال زاغک شبرنگ می‌کشم

پرویزن امل همه جا سخت، بسته است

زانرو، ز سوز دل گهی آهنگ می‌کشم

هان ای ضیایی! گر خدا توفیق ره دهد

زاندیشه‌ی عقیم کسان زنگ می‌کشم

۱۳۹۰/۱۲/۸ خورشیدی

فیروزکوه

سرخیل اخبار

بیزاری از ماده‌ها تا انداختن در جاده‌ها!

به تاریخ ۱۳۹۴/۵/۴ خورشیدی یک نوزاد دختر که ۴۸ ساعت عمر داشت از سرک دره قاضی شهر فیروزکوه یافت شد. پدر و مادر این طفل هنوز مشخص نیست و مشخص هم نخواهد شد. با رسانه‌ای شدن این موضوع، فیس‌بوک‌سالاران محترم برچسپ‌هایی گوناگونی به آن زدند؛ یکی دختر بودنش را دلیل افتادش به جاده عنوان نمود و دیگری فقر اقتصادی خانواده‌اش و کسانی هم نامشروع بودنش را. از فتوای شورای علمای غور در قبال این‌که والی غور یک زن است بخیر بگذریم. اداره محلی و نیروهای امنیتی غور هیچ‌گونه ابراز نظری در این مورد نداشته‌اند و گفته‌اند که تحقیقات ما در این زمینه جریان دارد.

حریق جالب به دست طالب یا حریق پول به دست غول؟

چندی پیش، طالبان در قریه پشت تنگی ولسوالی تیوره ولایت غور شصت‌هزار روپیه آن شورا را که به پروژه‌های انکشافی آن به مصرف می‌رسیده است به آتش کشیدند. طالبان می‌خواستند که این پول‌ها بین شورا و ایشان تقسیم شود تا «هم خدا شود و هم خرما» یعنی از نصف این پول‌ها سلاح خریداری نمایند و نصف دیگرش به پروژه‌های انکشافی به مصرف برسد؛ اما مردم محل این خواست را نپذیرفتند و پول‌های بی‌چاره به آتش خشم طالبان سوختند. «خدا آن ملتی را سروری داد...»

از آب‌های بی‌مسیر تا ساخت بند «امیر»!

از زمان بسته شدن آب در کانال سیاه‌سنگ، بازی‌های تیم‌های فوتبال شهر فیروزکوه «پرچو» شده است؛ چون از برکت ساخت این کانال، که ورزشگاه فیروزکوه ناخودآگاه در مسیر آن قرار گرفته است، آب‌های ناشخول و چشم‌سفید، راه‌شان را به این ورزشگاه باز کرده‌اند و ورزشگاه را به بند «امیر» تبدیل ساخته‌اند. ریاست آبیاری و امریت ورزش غور! روی سخن ما با شماس است، شما را پاکی آب سوگند که کدام تان مقصدی؟

منبع: سایت تخصصی محمدعارف عابد



- کریم‌های طبی به دستور دواخانه و یا پیشنهاد دوستان؛
- استفاده از کریم‌های طبی به صورت خود سرانه در جلد روی می‌تواند سبب مشکلات و عوارض جلدی گوناگون گردند اگر این‌ها مربوط به گروپ دوايي بنام ستروبيدها (بتامتازون یا بنتوتیت، کلوتنازول، فلوسینولون، ترای امسینولون، مومتازون و...) باشند می‌توانند سبب نژک شدن جلد، رشد، موهای اضافی، سرخی و سوزش روی، حالت اعتیاد گونه نیاز به مصرف کریم، ایجاد خطوط سرخ‌رنگ و یا رنگ‌های سطحی جلد و نازک شدن جلد تان گردند و نباید استفاده شوند. سای کریم‌های طبی هر کدام مشکلات مختص به خود را دارند و همه آنها باید با مشوره و هدایت متخصص جلدی استفاده گردند.
- کریم‌های روشن کننده غیر طبی؛
- اینها حاوی مقادیر بالای دوا های ستروبییدی و سرب و سیمامب اند که می‌تواند عوارض جانبی شدیدی به دنبال داشته باشند.

ویژگی‌های حکومت‌لیگارشی در جامعه‌ی امروزی ما



رسیدن به پول از شیوه‌ی که ممکن باشد، دنبال می‌شود و فرق نمی‌کند که آن مشروع باشد و یا خیر. شخصیت هر فردی با پول سنجیده می‌شود و هر که فاقد آن باشند، در جامعه از کدام جایگاهی برخوردار نیست. خلاقیت، دانش، مهارت و... معیار اصلی نیست. بنا بر این، هر که پول داشته باشد می‌تواند به قدرت و سیاست و مناصب مناسب دولتی دست پیدا کند و حتی جایگاه اجتماعی به خود خریداری کند؛ چون با پولش می‌تواند هر چیز را تسخیر کند و هر حق را ناحق و هر ناحقی را حق جلوه دهد؛ زیرا پول در بین جامعه به عنوان یک ارزش تثبیت شده است.

۲. قطبی شدن جامعه: قطبی شدن جامعه نیز یکی از ویژگی‌های جامعه لیگارشی است که از ویژگی اول نشأت می‌گیرد. وقتی که پول معیار همه چیز شد، همه دنبال پول است و یک اقلیت به پول دست پیدا می‌کند و یک اکثریت محروم می‌ماند و نمی‌تواند به پول دسترسی پیدا کند، در این وقت است که جامعه به دو طبقه ثروتمند و فقیر تبدیل می‌شود. اقلیت توانمند و اکثریت فقیر در جامعه زندگی می‌کنند و آن اقلیت با ابزار پول در تلاش می‌شود تا این اکثریت را به گرو خود قرار دهد.

۳. اجرای نقش در مشاغل متعدد: یعنی کسانی‌که به واسطه‌های

عبدالحمید ناطقی عضو شورای ولایتی غور
افغانستان، کشوری است که مانند خیلی از کشورهای دیگر، نظام‌های زیادی را تجربه نموده است از فنودالی، امپراتوری، و از پادشاهی تا جمهوری و از کمونیستی تا جهادی و از امارتی تا دموکراسی. هر نظامی از خود کار به خصوصی را داشته و هر یک از خود دارای یکسری از مزایا و معایبی بوده که در این نوشته جای آن نیست تا آن را بررسی نماییم و امکان را هم ندارد؛ اما با توجه با گذر تاریخی و داعیه‌ی دولت‌های همکار و دولت مردان افغانستان، ما امروز در سایه‌ی یک نظام به نام دموکراسی به سر می‌بریم و سوال این جاست که آیا در واقع ما در یک نظام دموکراسی هستیم؟ و ارزش‌های آن نظام در حکومت و جامعه‌ی ما وجود دارد و عملی می‌شود و یا خیر؟ و مقدر از مردم ما به ارزش‌های نظام و حکومت دموکراسی باور دارند و آن را می‌دانند؟ و ...

به باور نویسنده، اگر چند برخی از آموزه‌ها و ارزش‌های نظام و حکومت مبتنی بر دموکراسی در جامعه و نظام ما وجود دارد و عملی می‌شود؛ اما تا هنوز آنچه که انتظار می‌رفت ما نتوانسته‌ایم تا یک نظام دموکراسی را در جامعه خود عملی بسازیم و مردم ما و حتی خیلی از آدم‌های در یک جایگاهی هستند که از ارزش‌های نظام و جامعه مبتنی بر دموکراسی آگاهی ندارند و نمی‌دانند و در شرایط کنونی و با نگاهی به مولفه‌های نظام‌های سیاسی در جهان و گذر تاریخی، در جامعه ما بستر ارزش‌های یک نظام و جامعه لیگارشی وجود دارد و عملی می‌شود که به لحاظ رده بندی افلاطونی، پیش از نظام و جامعه دموکراسی قرار دارد.

افلاطون، در کتاب قانون خود حکومت لیگارشی را چنین تعریف می‌کند: « حکومت لیگارشی عبارت است از حکومت عده‌ای از توانگران و ثروتمندان است.» حرص، آز و ثروت اندوزی از مشخصات مهم این حکومت است. طبق تحلیل افلاطون، جامعه و مردم که در سایه چنین حکومتی زندگی می‌کنند، با این ویژگی‌ها شکل می‌گیرد.

۱. پول همه چیز است: یعنی در بین جامعه پول است و

۱۱ چیزی که نباید بروی تان اسفاده کنید

- روغن‌های نباتی؛
- اگر چه روغن زیتون، بادام، کنجد و ... برای چرب نمودن مو ها و چرب نمودن جلد خشک بدن مناسب میباشد اما استعمال این‌ها در جلد صورت می‌تواند سبب بسته شدن منافذ جلد و تشدید و ایجاد بخارهای جوانی دانه گردند.
- لوشن بدن؛
- لوشن بدن؛
- شامپو؛
- شامپو ها حاوی سورفکتانت یا کف کننده قوی میباشد که قادر است چربی اضافی جلد سر و چرک جلد سر و موهای شما را پاک کند ولی برای جلد صورت که نازک و لطیف است مناسب نمی باشد. و نباید هنگام شستن مو و یا در دیگر حالات به صورت مالش شده و یا روی با آن شسته شود. چون می‌تواند سبب خشکی جلد روی گردیده و ایجاد پوستک شدن و سوزش روی می‌گردد.
- رنگ ناخن؛
- شاید شما برای بعضی محافل خاص مانند سالگره جهت دیزاین نمودن روی خود و یا اطفال تان استفاده کنید اما این‌ها برای ناخن تهیه شده و استعمال آن در جلد صورت می‌تواند سبب تخریش جلد صورت تان گردد.
- رنگ ناخن؛
- شاید شما برای بعضی محافل خاص مانند سالگره جهت دیزاین نمودن روی خود و یا اطفال تان استفاده کنید اما این‌ها برای ناخن تهیه شده و استعمال آن در جلد صورت می‌تواند سبب تخریش جلد صورت تان گردد.

- سپری تقویه کننده مو در صورتیکه به جلد روی استفاده شود میتواند سبب رشد موهای اضافی روی گردد. اسپرس های که برای استیل نمودن موها استفاده میشوند حاوی الکل و لکوبرس و میتواند جلد شما را خشک کند.
- سپری های ضد عرق؛
- این اسپری ها ها حاوی موادی بنام آلومینیوم کلوراید بوده که مانع ترشح نسبی عرق میگردد و مناسب به استفاده در نواحی زیر بغل و سایر قسمتهای بدن میباشد. بعضا اسپرس های ضد عرق به جلد صورت استفاده میشود تا سبب پایداری میکپ شود ولی نباید به جلد روی استفاده شود بلکه به جلد صورت اجازه داده شود که نفس کند. و از جانب دیگر می‌تواند سبب تخریش جلد گردد.
- رنگ مو؛
- رنگ مو حاوی موادی بنام (پی پی دی) میباشد. این ماده شدیداً حساسیت زا بوده و می‌تواند حساسیت های شدیدی را به دنبال داشته باشد. همچنان رنگ های موی کیمیاوی مخرب بوده می‌تواند سبب تخریش جلدگردند. اگر شما میخواهید موهای ابرو و ریش تارا رنگ کنید کوشش کنید اطراف ناحیه یی را که میخواهید رنگ کنید با واسیلین چرب کنید و مدت تماس رنگ را کوتاه کنید و کوشش کنید رنگ مو به جلد تان تماس نکند. بهترین گزینه برای رنگ کردن ریش و ابرو رنگهای گیاهی میباشد و یا از قلم ابرو جهت سیاه نمودن ابروی تان استفاده کنید.